

المسجد وأنا انظر اليه فقال القوم فوالله لقد اصاب شر قايلا يا مسجدا فخرنا عن غيرنا
فصرحهم البسالة ليقتضيا فقال لهم من ثم على عيني فلان وهى بالروما وقد اضموا الفير
الهم وهم في طرفة فيا لهم فلان من ماء فطعنت فاولدته ونشته شر فزعت كما كان
فاساءوا لهم بل وجدوا في القدر حزين رجوا اليه فاولدته اية قال ومرة يعنى
وفلان وفلان وفلان على شعور فها منى من شعور بعينها منى فى بطن فلان فانكثرت
يده فسلوا عاين والى قالوا وصدته ايت قالوا جزم غوما منى قال صرت بها فاجزم
قالوا فعدا عينا واصحابها ومهنا ومن نبيها قال كنت فى شغل عن ذاك ثم املت
بكم كانه بالجرة بعد اصحابها وعتبتها ومن نبيها فقال لهم صنها كذا او كذا ونبيها
فلان وفلان وفلان ليقدم صاحبها ومن على غير عدا فلان صاحبها ليطلع عليكم عند
طلوع الشمس قالوا وصدته اية فخرجوا لينظروا من سموا اليه وهم يقولون والى الله
فصن شيئا ونبيهم حتى الوكلا فنجسوه فجعلوا لينظروا حتى تطلع الشمس فكذبوا
قال قال منهموه والى الله الشمس قد طلعت وقالوا بخر حظه والى الله لا بل قد
طلعت ليقدم صاحبها ومن فى فلان فلان كما قال لهم فلم يؤمنوا وقالوا ان عدنا

فرومودی السنة وقام البغز وادی اتمه سینا واولا شیخ آیدوا صیحا قدس سره الامیر
الحیث والذوالصلوة والسلام علی صاحب الشرع والسنة وعلی آله واصحابه از من الخی و
والامیر بدان ای بارزین و الطالب حق و یقین که امام ابوحنیفه رحمت الله علیه سب که
حلال شود کسی را بقول ائمتهم کند اما اگر مانند خدا قرار نگیرد بکتاب و سنت واجماع
وقیاس چنان مسئله در اصول امام اعظم مدو کفیه را ارجاع اصل که در کتاب الله تعالی
ویم سنت رسوالیم اجماع است بجهت آن عدم قیاس نظری که در آن نظریه باشد
بر نظری که در آن نفس باشد و هر حکم بکتاب و سنت ثابت گردد چه بکتاب و سنت منع شود
واجماع و قیاس را منسوخ کند و اجماع و قیاس مخالف کتاب و سنت باطل بود و نیز
بهمان زمان بهر علم و بود مجتهد که خطا نکند و گاه حکمی رسد و چون خطاء اوضاع
گرد و تقلید و در خطا برآمده بود این جهت اصول امام اعظم رحمة الله علیه کنو بشود کتاب شد

از نماز فارغ شدم بنی کرد مرا و گفت بکن آنچه بپوشد خدا صلعم میکرد گفت چه بپوشد خدا صلعم
گفت بود بپوشد خدا صلعم و قیقه زنا نشی نهاده ای گفت بران است و قیقه کردی همه
انگشتان را و اشارت کردی به انگشتی که متصل انگشت زنت و به نهاده ای کف دست چپ بران
گفت محمد که ما که بپوشد خدا صلعم نمی کردیم و همین است قول ابی حنیفه سج تا این جا می رسد
عبارت موطاء است و در بابیه و نهاده ای آورده است که نص کرد امام محمد در کتاب شحه بر اشارت
و حدیث آورده است که بپوشد خدا صلعم کردی و بعد از آن گفته که آنچه بپوشد خدا صلعم کرد ما نیز او را
اختیار کردیم و همین است قول ابی حنیفه و قول ما و در خیره و شرح زاهدی مذکور است امام محمد
بعد از آن گفته که آنچه بپوشد خدا صلعم کرد ما نیز او را اختیار کردیم و همین است قول سنیفه و در کفایه
و تائید خوانی آورده که امام محمد حدیث آورده که بپوشد خدا صلعم اشارت کرده است بعد از آن گفت
محمد که همین است قول من و قول ابی حنیفه و در عنبیه مذکور است که نص کرد محمد بن حسن در کتاب شحه
و حدیث آورده است که بپوشد خدا صلعم اشارت کردی در نماز و نیز روایت کرد امام احمد
ابن الشکیت در صحاح خود از عبد الله بن عمر که قال ما سئل الله صلى الله عليه وسلم لا تشاء
بالاصح الله على الشيطان من الحیة اما انی روایت کرده اند بر شافعی در کتب حدیث
قربان است چنانچه روایت کرد امام مسلم در صحیح مسلم از عبد الله بن الزبیر چون بپوشد
صلعم در نماز نشستی دست راست را بران است نهاده ای و دست چپ را بران چپ نهاده ای
و اشارت به انگشت سبابه کردی و نیز انگشت بر انگشت میان نهاده ای و امام عبد الرزاق
از ابی هریره روایت کرد که بپوشد خدا صلعم که تحقیق یک خضه از سفا و بنویس بپوشی
تا خیر کواست و جزو دیگر نهاده ای و نیز دیگر اشارت به انگشت دست راست را و امام حاتم
روایت کرد از عقیل بن عامر که بپوشد خدا صلعم فرمود که نشستی شود در نماز شانی که اشارت
میکند در نماز خود نه یکی بمقابل هر انگشت یک یکی و فضایل اشارت بسیار است درین مختصر نگنجد
و ای کسی که ازین فضایل محروم باشد **فصل دوم** در روایات فضیله اکتب معتبره حنیفه امام
الهام و شرح حدیث منع اشارت بر خلاف عقل و نقل است و در مطلق مذکور است که نشستی
در اشارت اختلاف علماء و در خانه گفته که اشارت در وقت لا اله الا الله بلا خلاف است
و در کفایه مذکور است که علامه نجم الدین زاهدی گفته هرگاه متفق شد روایات از همه اصحابی که
اشارت سنت است و همچنین از علماء کوفه و علماء مدینه که بسیار است اخبار و تألیف عمل آن

با حدیث صحیح مثل کتاب نزو امام اعظم و صاحبید امام مالک و امام شافعی و امام احمد و
 هم رحمهم الله گفتند بجز خدا صلعم در شهادت نماز برای توحید خدا تعالی اشارت به
 امانت کوی و تصریح کرده اند محققان ضعیف و متعانی اما را اخبار بنویسند علیه افضل الصلوة و
 التحیة که وارد شده در منع اشارت صحیح آتی و حدیثی چون زید بعضی راست و بنویسند
 ابریه منع کردند از القیاس نه کتاب و سنت و قیاس را اجماع مخالف باطل باشد پس قطعا که
 و تقلید و در خطاهای مردم بود و من این مطلب را بر تو واضح گردانم و این رساله منقول حادث
 صحیح و روایات فقیه بنویسند از کتب معتبره حقیقه تا معلوم شود ترا هر که منع اشارت کرد خلاف
 اصول و فروع و امام اعظم و سایر امیر اسلامیت تا باشد که از امانت است یا زانی و
 ایمان سلامت بری و نامیدم این رساله را به اشارت المستنیر ترتیب داده ام تا هر که
 مقدر و مستفصل **مقدمه** در بیان تمسک نسبت وقت احتیاط فایده **مقدمه اول** در احادیث صحیح
مقدمه دوم در روایات فقیه بنویسند **مقدمه سوم** در ادله اهلان و احباب آن **مقدمه در بیان تمسک نسبت**
 وقت اختلافات قال الله تعالی و ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فتهتوا و
 انقل الله ان الله شديد العقاب و فرمود حق تعالی چیزی که به شما را بهر لغوی از او
 امر الهی پس بگیرد از شما را عمل کنید بر آن و چیزی که منع کند شما را از آن پس بازمانده و ستر
 از خدا تعالی برستید خدا تعالی سخت عذاب کننده است یعنی عذاب سخت میکند کسی را خلا
 فرمان رسول کند و قال رسول الله صلی الله علیه و سلم بعثت فی فیضی اختلاف
 کثیر افعلکم یسری فمکوهما بالنواجد مرواه احمد و الترمذی فرمود رسول صلعم کسی که
 زنده خواهد ماند از شما من بعد از شما خواهد بود یا اختلاف بسیار لازم است بشما نسبت مرگ
 زنده به آن و بگذرید بر آن بدید آنها پس یعنی هر که برید از او شدت عمل کند بر آن روایت
 کرده است این حدیث را امام احمد و ترمذی قال رسول الله صلعم من احتسنتی فقد
 اجتنی و من اجتنی کان معی فی الجنة مرواه الترمذی فرمود چه صلی الله علیه و سلم کسی که
 دوست دارد و دوست مرا پس تحقیق دوست داشت و کسی که دوست مرا باشد با من رود در
 روایت کرده است این حدیث را ترمذی **مقدمه اول** در احادیث صحیح روایت کرد امام زانی
 صحیحین الشیبانی در موطاء و از امام مالک و از مسلم بن ابی ریح و از علی بن عبید
 المعادی که گفت که دیدم مرا عبد الله بن عمر که من بازی میکردم بشتک ریزه نادان را چون

اولی باشد امام ابن امام در شرح هدایه صاحب کفایه متوجه چندی در مسئله الهیه می فرماید
ثغاب گفت که ما لم یوسف و امانی خود گفته که انگشت خود در دو بی راه بند و انگشت میان را انگشت
نزد حلقه کند و به انگشت شستنیاء را نشان دهد و در شرح و قایم گفته می بیند نزد علماء ما و صاحب هدایه
در بحث انوار اللمعه اشارت وقت لا اله الا الله می کند و در مسئله المصلی می گوید و فیکر به
شعبه دین سید اشارت به سبایه کند **فصل سوم** در دلائل منع کنندگان و خطبه های بعضی گفته
بهتر است که اشارت کند و فتوی برینست زیرا که نمایان سازد برکن و قنارت یعنی بر آتش
و احتیاجی است و در اشارت سکون و قنارت **جواب** این دلیل است و حدیث نیست و نه
اجماع پس قیاس است و قیاس را با جماع با وجود حدیث صحیح باطل باشد ظاهر است که این منع گفته
احادیث صحیح و روایات فقهر حنفیه رسیده بود و هر گاه فعل بعیر را صلعم که این خلاف
سکون و قنارت مخصوصا در نماز یا اتفاق جمیع مومنین کا فر گردد و در صلوات مسعودی
می گوید که این سنت علماء متقدم است تاخران با خبری کردند منسوخ شد تا این که این قول را
رافضیان گرفتند **جواب** اول آن که دلیل بر خلاف اصول امام عظم است زیرا که این دلیل ثابت
است و قیاس و جماع با وجود حدیث صحیح بر خلاف آن باطل باشد و دوم آن که مقرر است
نسخ بعد از آن که صلعم از نو و مستقیم مخالف رافضیان در بدعت های ایشان می باشد و در
نسخه ای که ایشان بر آن عمل کنند که این مخالف گفته معنی مخالف صلعم نمی باشد که رافضیان
در ویدی زلزلید و ابتداء به اسم الله می کنند و بدست راست می جویند و بدست چپ استجماع می کنند
و در و دست چپ می خیزد و ثناء و موالات در وضو و خوضی بدست راست و استجماع بدست چپ و ثناء
گرفت و حلقی موی بغل و موی زیران اگر ترک کنند یا برای مخالف گفته رافضیان ضرری باشد
با بدستنیان اگر کنند یا عادات و عبادات ترک کنند و مخالف صلعم و دارند و با خود
راستی گویند یعنی غور می نمایند و تعجب آن که در صلوات مسعودی آورده که چون قراءت شهر مقدس
عبده و مسوکه برساند انگشت شانه خود را بر امام زاهد فرستد و شش میگردانند و بیرون
آمده که بر قول امام عظم ابو حنیفه و محمد رحمهم الله بناء این نقل برخلاف کتب معتبره حنفیه آورده است
و بر امام عظم و صحرا امام اصبهتین کرده زیرا که در شرح اصبهتین و نهجیه و بلایه و ذخیره
آورده است که امام محمد و کنی شیخ الفی بر اشارت کرده و حدیث آورده که بهر چه صلعم اشارت
کرده است و بعد از آن در شرحی گفته که ما کار بهر چه صلعم احتیاج داریم و همین است قول ابی حنیفه هم